

بیش از ۸۰۰ ورزشکار در غزه شهید شده‌اند

سکوت مرگبار مدعیان حقوق بشر

آنچه این روزها در سرزمین اشغالی می‌گذرد، تنها یک جنگ خونین نیست؛ اینجا ورزش و زندگی همزمان به خاک و خون کشیده می‌شود. آمار که کمیته ملی المپیک فلسطین منتشر کرده، نه فقط قلب یک ورزش دوست، بلکه وجدان هر انسانی را می‌لرزاند. رژیم که سال‌هاست به تجاوز عادت کرده، حالا در کمتر از ۲ سال، معادل بازیکنان ۷۲ تیم فوتبال را شهید کرده است؛ بیش از ۸۰۰ ورزشکار که رویاهای شان روی زمین باقی ماند، پیش از آنکه به خط شروع مسابقه‌ای برسند. این فجایع در حالی ادامه دارد که فیفا و کمیته بین‌المللی المپیک در سکوتی سنگین و خجالت‌آور فرو رفته‌اند. همان نهادهایی که برای کوچک‌ترین حاشیه‌های فوتبالی در جهان، بیانه پست بیانه صادر می‌کنند، حالا در برابر نابودی نسل ورزشکاران فلسطینی ترجیح داده‌اند چشم ببندند. آیا جان جوانانی که لباس ورزشی به تن داشتند، ارزش کمتری دارد؟ از ۷ اکتبر ۲۰۲۳ تاکنون، دست کم ۴۱۸ فوتبالیست فلسطینی جان خود را از دست داده‌اند؛ ۹۷ نفر از آنها کودکانی بودند که تازه داشتند طعم فوتبال را می‌چشیدند. ۲۴۳ نفر از شهدا عضو کمیته ملی المپیک فلسطین بودند، ۱۱۷ نفر در رده‌های پایه و ورزشی فعال بودند و حتی ۳۵ ورزشکار زن هم در لیست این شهدای مظلوم جای گرفتند. بیشتر قربانیان در سنین ۶ تا ۲۰ سال بودند؛ نسلی که هنوز فرصت ساختن آینده‌ای روشن را پیدا نکرد. این فهرست وحشتناک تنها به اعداد خلاصه نمی‌شود. استادبوم‌های ورزشی بمباران شده‌اند، زمین‌های فوتبال ویران شده‌اند و مراکز آموزشی که باید نگاهاهای استعدادهای نوظهور باشند، به خاک تبدیل شده‌اند. وقتی ورزشگاه‌ها به گورستان بدل می‌شوند، دیگر هیچ معنایی از المپیک، رقابت سالم یا دوستی میان ملت‌ها باقی نمی‌ماند. شاید درناک‌ترین بخش ماجرا همین باشد که فیفا، نهاد مدعی «اتحاد و صلح از راه فوتبال»، هیچ واکنشی نشان نداده است. همان سازمانی که برای مسایل جزئی باشگاه‌ها تا محرومیت‌های سنگین پیش می‌رود، حالا در برابر قتل عادی سازمان‌یافته، سکوتی معنادار اختیار کرده است. رژیم صهیونیستی در جنگ ۱۲ روزه‌ای که علیه ایران تحمیل کرد نیز، ۳۳ ورزشکار ایرانی را به شهادت رساند؛ گویی ورزشکار بودن، نه سبیری برای حفاظت از جان، بلکه بهانه‌ای برای هدف گرفتن دقیق تر است. این روایت تلخ نه یک خبر ورزشی معمولی، بلکه سندی از جنایتی است که حتی روح ورزش را نشانه رفته است. و باز هم سؤال تکراری: فیفا کجاست؟ کمیته بین‌المللی المپیک چه می‌کند؟ چرا جهان ورزش، وقتی نوبت فلسطین می‌رسد، گوش هایش را می‌گیرد و چشم‌هایش را می‌بندد؟

یادداشت

بلاتکلیفی استقلال

پایان صبر هوادار

مدت‌ها بود استقلال در سکوتی سنگین روزگار می‌گذراند؛ سکوتی که نه از آرامش که از بی‌عملی می‌آمد. حالا اما همه نگاه‌ها دوباره به دفترهای شیشه‌ای هلدینگ خلیج فارس دوخته شده؛ مالکی که قرار بود ناجی باشد اما خودش زیر تیغ پرسش‌ها رفته است. وقتی این مجموعه تروتمند زمام امور باشگاه را گرفت، وعده‌های پرزرق‌وبرق، دل هوادار خسته را گرم کرد. همه خیال می‌کردند حالا که پول پشت استقلال ایستاده، روزهای روشن از راه می‌رسند اما واقعیت چه شد؟ همان مسیر آشنای اشتفتگی و ناکارآمدی دوباره تکرار شد و قبل باز زنجیری از ناامی‌ها تمام شد. در میانه‌های فصل گذشته، تغییرات شتاب‌زده‌ای در رأس مدیریت انجام شد. مدیرعامل و چند عضو هیات‌مدیره رفتند و نفرات تازه آمدند اما هیچ چیز بهبود نیافت. به‌جای آنکه استقلال روی پای خودش بایستد، بیشتر در گرداب بی‌ثباتی فرو رفت. در نهایت بازیکنانی که باید ستون تیم می‌شدند، یکی‌یکی پیراهن آبی را کنار گذاشتند و راهی دیگر باشگاه‌ها شدند. اعتراض هواداران هم به همان چرخه تکراری سال‌های اخیر بازگشته است؛ تجمع مقابل ساختمان باشگاه، شعارهای همیشگی، از «صبر بی‌فکایت» تا «حیا کن، ره‌ها کن». دیروز بار دیگر همان صحنه تکرار شد. گروهی از هواداران خشمگین آمدند تا به گوش مدیران برسانند دیگر تحمل وعده‌های پوچ را ندارند. آنها تیمی می‌خواهند که از فصل گذشته ضعیف‌تر نباشد؛ انتظاری حداقلی که هنوز برآورده نشده است. استقلال با دست خالی راهی اردوی ترکی شده؛ تنها ۱۳ بازیکن بزرگسال و چند جوان که بیشتر به عنوان وصله موقت به کار گرفته شده‌اند. نفرات کلیدی یا جدا شدند یا در بلاتکلیفی ماندند. نقل‌وانتقالاتی که قرار بود فصل تازه‌ای را بسازد، حالا خودش به کلافی از گروه‌های کور تبدیل شده است. این وضعیت نه‌تنها آینده فنی تیم را تهدید می‌کند، بلکه روابط میان هواداران و مالکان را هم به حد انفجار رسانده. همه حالا منتظر واکنش هلدینگ خلیج‌فارس هستند. جلسات داخلی‌شان شروع شده و گفته می‌شود تصمیم‌های مهمی در راه است اما کسی نمی‌داند این تصمیم‌ها چه خواهد بود. آیا ترک‌ب‌مدیریتی یکبارہ درگورن می‌شود؟ یا مدیران فعلی فقط توبیخ شده و تذکر می‌گیرند و فرصت دوباره؟ یا شاید گزینه سوم روی میز باشد که هنوز کسی از آن خبر ندارد. از طرفی، برخی تحلیلگران می‌گویند هلدینگ خلیج‌فارس نمی‌خواهد دوباره اتهام «بی‌توجهی» بخورد؛ چون فصل گذشته همین بی‌ثباتی‌ی مدیریتی باعث شد هم استقلال ضربه بخورد، هم اعتبار مجموعه طلعمه ببیند اما آیا مدیران ارشد هلدینگ واقعا حاضرند وارد یک خانه‌تکانی جدی شوند؟ یا مثل دفعات قبل، همه چیز با چند بی‌بیهوشی و قول شفاهی به فراموشی سپرده خواهد شد؟ در این میان، هوادار دیگر دلش به وعده گرم نمی‌شود. آنهایی که سال گذشته با هزار امید پای تیم ایستادند، حالا تنها یک مطالبه دارند: تغییر واقعی. برای آنها مهم نیست چه کسی مدیرعامل باشد؛ چه کسی عضو هیات‌مدیرم. مهم این است که استقلال دوباره زنده شود که لیاقت نامش را دارد، نه مجموعه‌ای از سردرگمی و بی‌برنامگی. پایان ماجرا هنوز روشن نیست. جلسات پشت درهای بسته ادامه دارد و هر روز خبرهای ضدونقیض بیرون می‌آید. هرچه هست، زمان برای آبی‌ها در حال تمام شدن است. لیگ جدید نزدیک است و اگر تغییرات در برسد، فصل تازه هم چیزی جز تکرار تلخی‌های فصل پلورن‌کردنی گذشته نخواهد بود. این بار اما نوبت در زمین هلدینگ خلیج فارس است. مالکی که می‌تواند با تصمیمی قاطع، خون تازه‌ای در رگ‌های استقلال جاری کند یا با ادامه تعلل، تیم را به سراسیمشی سقوط عمیق‌تر بفرستد. همه نگاه‌ها به یک سؤال دوخته شده: هلدینگ واقعا دارد چه می‌کند؟



است. مرد پرتغالی از همان ابتدا تأکید کرده برای موفقیت در لیگ و آسیا، به چند مهره خارجی باکیفیت هم نیاز دارد. او لیستی جداگانه از گزینیه‌های خارجی خود را به باشگاه داده تا مدیران هر چه زودتر مذاکرات را آغاز کنند.

هواداران استقلال که هنوز خاطره ناکامی‌های باورنکردنی فصل قبل را فراموش نکرده‌اند، این روزها چشم‌انتظار خبرهای امیدوارکننده هستند. در عین حال، انتخابهایی مثل آل‌کشیر یا عبدالزاده، هرچند می‌تواند از نظر فنی به سود تیم باشند اما حساسیت‌های خاص خودش را دارد و ممکن است برای مدیریت باشگاه درم‌س‌ساز شود.

■ **آتش‌زیر خاکسرت رقابت سنتی**

ورود بازیکنان سابق پرسپولیس به ترکیب استقلال و برعکس، همیشه موضوعی چالش‌برانگیز بوده است. از یک سو، این انتقال‌ها می‌تواند برای بازیکنانی که به دنبال اثبات خود هستند، فرصت تازه‌ای ایجاد کند اما از سوی دیگر، درگیری‌های احساسی و فشار روانی ناشی از حضور در تیم رقیب، ممکن است روند آنها را تحت تأثیر قرار دهد.

سایپنتو اما اهمیتی به این حواشی نمی‌دهد. او فقط به کارایی بازیکن فکر می‌کند و اگر احساس کند یک مهره می‌تواند گرهی از کار تیمش باز کند، بدون توجه به گذشته او، دست به جذبش خواهد زد.

■ **آینده؟ پر از علامت سؤال!**

سایپنتو اما اهمیتی به این حواشی نمی‌دهد. او فقط به کارایی مدیران استقلال دارد. آیا آنها حاضرند برای راضی نگه داشتن مربی پرتغالی، وارد این مسیر پر از جنجال شوند؟ یا مثل دفعات قبل، این لیست هم در حد شایعه و گمانه‌زنی باقی خواهد ماند؟

آنچه مسلم است، لیست تازه سایپنتو، یک پیام روشن برای مدیران استقلال دارد: وقت کم است و نیاز به اخذ تصمیمات فوری و جسورانه دارید. حالا باید منتظر ماند و دید آیا باشگاه آبی‌پوش می‌تواند خواسته‌های پرسر و صدا را برآورده کند.

رونمایی از لیست جنجالی سایپنتو برای تقویت استقلال

منوی قرمز آبی‌ها!



در روزهایی که هیاهوی نقل‌وانتقالات فوتبال ایران به اوج رسیده و باشگاه‌ها برای تقویت ترکیب خود

چهره‌ای محبوب برای قرمزها بدل شد اما حالا بعد از یک دوره افت و دوری از میادین، دوباره خبرساز شده؛ این‌بار به‌عنوان هدف نقل‌وانتقالاتی ریکاردو سایپنتو. آل‌کشیر مهاجمی است که شاید در اوج خودش می‌توانست گره‌گشای بسیاری از بازی‌های سخت باشد اما سؤال این است: آیا او در ۳۶ سالگی، می‌تواند دوباره همان بازیکن خط‌ناگ گذشته باشد؟ سایپنتو با این انتخاب نشان داد حاضر است ریسک کند؛ ریسکی که اگر جواب دهد، می‌تواند یکی از جنجالی‌ترین نقل‌وانتقالات سال را رقم بزند.

■ **مهری؛ بازگشت دوباره به آبی‌ها؟**

سعید مهری یکی دیگر از نام‌های قابل توجه این فهرست است. بازیکنی که زمانی پیراهن استقلال را پوشیده بود اما با تصمیمی غیرمنتظره سر از پرسپولیس درآورد. مهری با وجود حضور کوتاه‌اش در جمع سرخ‌ها، هرگز به چهره‌ای ثابت در ترکیب آنها بدل نشد و حالا ظاهراً دوباره مورد توجه مربی پرتغالی قرار گرفته است. سایپنتو علاقه خاصی به سبک بازی او دارد؛ موضوعی که در زمان هدایت آپولن قیرس هم مشخص بود. حالا باید دید آیا این علاقه قدیمی می‌تواند باعث بازگشت دوباره مهری به جمع آبی‌پوشان شود یا خیر. چنین اتفاقی بی‌شک بازتاب گسترده‌ای در فضای هواداری هر ۲ باشگاه خواهد داشت.

■ **شجاعی؛ دفاع چپ فراموش‌شده**

در جناح چپ خط دفاع، نام علی شجاعی دیده می‌شود؛ مدافعی که در پرسپولیس بازی‌های خوبی به نمایش گذاشت اما هرگز به ستاره‌ای بی‌قیب تبدیل نشد. او فصل گذشته در مس رفسنجان عملکرد قابل قبولی داشت و با آمار ۲ گل و ۸ پاس گل، جزو بازیکنان کلیدی تیمش محسوب شد.

سایپنتو که همواره به تنوع در پست‌های کناری علاقه دارد،

اختلاف نظر مدیریت و کادر فنی استقلال بر سر جذب غلامی

زوج عارفان در دفاع؟

استقلای شود و زمستان گذشته هم شایعه بازگشتش قوت گرفت. حتی در لیست پیتسو موسیما‌نه هم قرار گرفت اما تغییرات ناگهانی کادر فنی استقلال این سناریو را برهم زد. غلامی ۴ فصل متوالی پیراهن آبی را پوشیده بود؛ ۹۶ بازی رسمی، ۲ گل و چندین نمایش درخشان که یکی از آنها در مسیر قهرمانی تاریخی لیگ بیست‌ویکم بود. او پس از مصدومیت سنگین رباط صلیبی توانست دوباره به اوج برگردد و زیر نظر سایپنتو هم فصل موفق‌تری را پشت سر گذاشت. وی حالا پس از ۲ سال دوری، دوباره در یک قدمی بازگشت ایستاده اما تردیدهایی مدیریتی همه چیز را پیچیده کرده است.

برای استقلایی‌ها، غلامی فقط یک مدافع نیست؛ او بخشی از خاطرات نزدیک قهرمانی است اما برای مدیرانی که ترجیح می‌دهند مشکلات گذشته را بدون حاشیه بسازند، بازگرداندن او ریسکی غیرضروری است. سایپنتو اما همچنان می‌خواهد او

قبل برای مدیران استقلال فراموش‌شدنی نیست. از سوی دیگر، خود غلامی هم وضعیتی مبهم دارد. او تابستان گذشته تصمیم گرفت برای فصل جدید به تراکتور برود اما آن انتقال برخلاف تصورش یک تجربه موفق نبود. رابطه‌اش با دراگان اسکوچیچ به سردی گرایید و در بیشتر بازی‌ها نیمکت‌نشین ماند. مدافعانی مثل شجاع خلیل‌زاده و عارف آقاسی در ترکیب تراکتور جای ثابتی داشتند و غلامی تنها در ۳ مسابقه فرصت‌بازی پیدا کرد؛ جمعاً ۲۵۰ دقیقه. همین کمبود فرصت بازی و فضای نامطلوب باعث شد حتی در جشن قهرمانی تراکتور هم چهره‌ای بی‌روح داشته باشد. او پیش از تراکتور، دوره‌ای پر فراز و نشیب را پشت سر گذاشته بود. بعد از نیم‌فصل بیرون‌نشینی در لیگ بیست‌وسوم، مدتی کوتاه به ولز موستار بوسنی رفت اما همانجا هم ماندگار نشد. غلامی بارها به دوستانش گفته بود دوست دارد دوباره

را به خط دفاع برگرداند و در جمع شاگردانش داشته باشد. مساله حالا دیگر فقط فنی نیست؛ این ماجرا تبدیل به میدان قدرت‌نمایی میان سرمربی پرتغالی و مدیرانی شده که به سادگی از موضع خود عقب نمی‌نشینند. آیا استقلال می‌تواند اختلافات داخلی‌اش را حل کند و غلامی دوباره لباس آبی را بپوشد؟ یا این کشمکش بنه‌ان در نهایت باعث می‌شود او سر از تیم دیگری درآورد و استقلال یک مهره آشنا را از دست بدهد؟ پاسخ این پرسش در روزهای آینده مشخص می‌شود اما روشن است اردوی ترکیه فقط به تمرینات و آماده‌سازی ختم نمی‌شود. پشت‌پرده، آینده یک مدافع و شاید بخشی از استراتژی نقل‌وانتقالاتی باشگاه در حال تعیین است؛ اگر سایپنتو در این نبرد خاموش پیروز شود، غلامی دوباره به قلب خط دفاع بازمی‌گردد اما اگر جویباری و هیات مدیره قدرت بیشتری داشته باشند، ماجرای بازگشت غلامی در همان نقطه‌ای که امروز ایستاد، متوقف خواهد شد.

در هر صورت، این جدال نشان می‌دهد استقلال هنوز از ساختار حرفه‌ای بسیار فاصله دارد؛ جایی که تصمیمات باید براساس برنامه‌ریزی دقیق و هماهنگی کامل میان مدیریت و کادر فنی گرفته شود، نه از دل کشمکش‌ها و اختلاف‌نظرها.

سرنوشت غلامی حالا آینه‌های است که اختلافات درونی باشگاه را آشکار کرده؛ اختلافی که شاید فراتر از یک بازیکن، انتخاب کرده و به مربی و تیمش زمان دارد، رتبه هشتم امسال ایران با مربی شجاع و تحول‌گرایی چون پیاتزا دوباره می‌تواند خطرناک باشد.

پیاتزا مأموریتی فراتر از این لیگ دارد؛ او آمده تا تیمی بسازد که در قهرمانی جهان در فیلیپین (سال جاری میلادی) حرفی برای گفتن داشته باشد. اگر مسیر فعلی ادامه پیدا کند، نه‌تنها والیبال ایران از بحران ۲ ساله فاصله خواهد گرفت، بلکه می‌تواند دوباره در میان غول‌های جهان قد راست کند. مهم این است که این بار، مشروعیت تازه با صبر، برنامه‌ریزی و نگاه بلندمدت رقم خورده است.

این داستان نه پایان راه که مقدمه فصلی جدید است؛ فصلی که شاید دوباره مردم را پای تلویزیون بنشاند تا با افتخار لبخند بزنند.

بازگشت آرامش به والیبال ایران با استراتژی تازه و نگاه بلندمدت با صعود، امید و تولد دوباره

پیاتزا با همان ویژگی‌های ولاسکو آمده

جایگزین تیم هشتم جدول رده‌بندی شد!! اما همین جایگاه هشتم برای تیمی که ۲ سال پیاپی در انتهای جدول قرار داشت، یک قدم به جلو محسوب می‌شود. این پیشرفت مهم، در حالی رقم خورد که تیم مجبور بود با ترکیبی ثابت و جوان به میدان برود. محدودیت‌های ناشی از مشکلات سیاسی و نبود امکان جابه‌جایی بازیکنان، کار را برای کادر فنی دشوار کرده بود. اما شاید همین فرصت باعث شد پیاتزا شناخت دقیق‌تری از شاگردانش به دست آورد و پایه‌های تیمی منسجم برای آینده را بچیند. او از همان ابتدا روشن کرد

که به دنبال معجزه کوتاهمدت نیست و نگاهش معطوف به‌قهرمانی‌های سال‌های پیش روست. این تحول وقتی معنا پیدا می‌کند که آن را در کنار کاپوس سال‌های گذشته بگذاریم. سال ۲۳-۲۰، والیبال ایران با هدایت بهروز عطایی در قعر جدول قرار گرفت؛ تیمی که برای حضور در آمریکا به مشکل ویزا خورد و بدون چند مهره

دیروز تجربه و سردرگم، به‌نظر می‌رسید، ناگهان پوست‌انداخت. بردهای ارزشمند برابر صربستان، هلند و اترانین روح تازه‌ای به اردو دمید. حالا سروسیم هر صدمندتر بود، دفاع روی تور قوی‌تر دیده می‌شد و مهاجمان با پاسور هماهنگ شده بودند. حتی شکست مقابل آلمان، بیشتر از آنکه ناامیدی بیاورد، پیام داد این تیم ظرفیت درگیری با قدرتهای جهان را پیدا کرده است.

مرحله سوم در لهستان، جایی بود که درس‌های بزرگی برای این نسل تازه به همراه داشت. باخت مقابل لهستان قهرمان جهان و فرانسه قهرمان المپیک یادآور فاصله واقعی والیبال ایران با تیم‌های پرستاره جهان بود اما پیروزی‌های مطمئن مقابل چین و بلغارستان نشان داداز نظر روانی تیم به‌مراتب قوی‌تر از گذشته شده است. حتی سرنوشت صعود هم به نتایج عجیب سایر بازی‌ها گره خورد و تا آخرین لحظه امید زنده بود. در نهایت، ایران هشتم شد ولی به جمع ۸ تیم نهایی نرسید چون چین قهرنشین ولی میزبان مرحله پایانی، طبق قوانین من درآوردی قدراسیون جهانی والیبال

اردوی استقلال در ترکیه مثل همیشه فقط محلی برای آمادسازی بدنی و مرور تاکتیک‌ها نیست؛ پشت پرده، اختلافاتی جریان دارد که هر لحظه می‌تواند مسیر نقل‌وانتقالات آبی‌ها را تغییر دهد. این بار موضوع بر سر بازگشت عارف غلامی است؛ مدافعی که برای سبب‌سازی از هواداران یادآور روزهای مستحکم خط دفاع آبی‌هاست اما در ساختمان باشگاه همه بر سر او هم‌نظر نیستند.

ریکاردو سایپنتو، سرمربی پرتغالی استقلال که عادت دارد با صراحت تصمیم بگیرد، عارف غلامی را در فهرست بازیکنان مورد نیازش گذاشته و معتقد است حضور او می‌تواند نظم دفاع تیم را تقویت کند. اما این تصمیم با مخالفتی جدی روبرو شده است. علی نظری جویباری، مدیرعامل باشگاه، همراه با چند عضو کلیدی هیات‌مدیره قاطعانه با جذب او مخالفند. دلایل‌شان هم فقط فنی نیست؛ آنها می‌گویند رفتارها و حواشی گذشته غلامی برای استقلال دردم‌ساز بود و ورود دوباره او می‌تواند همان مسیر پر حاشیه را تکرار کند. حتی حمایت کلارنس سیدورف، مشاور تازه‌وارد باشگاه هم تا این لحظه نتوانسته این جنبه مخالف را نرم کند. سیدورف که با دیدگاه فنی به موضوع نگاه می‌کند، عملکرد غلامی در گذشته را مثبت ارزیابی کرده اما گویا خاطرات تلخ فصل‌های

والیبال ایران پس از سال‌هایی پر از لغزش و فراموشی، دوباره روی ریل بازسازی قرار گرفت. تیمی که تا همین چند ماه پیش اسیر نتایج ناامیدکننده و انتقادهای پیاپی بود، حالا با ترکیبی از بازیکنان جوان

جسور و سرمربی‌ای دانشمند و باتجربه، نشانه‌هایی از بازگشت به قله را نشان می‌دهد؛ حتی اگر هنوز نتایجش درخشان نباشد. این فصل لیگ ملت‌های ۲۰۲۵ نقطه عطف شد؛ جایی که امید دوباره زنده شد، نه به‌واسطه صعود به مراحل نهایی، بلکه به دلیل تغییر نگرش عمیق در شیوه ساختن آینده. روبرتو پیاتزا، مرد ایتالیایی آرام اما سرسخت، روی نیمکت ایران به اندازه‌ای که فکر می‌شد فرصت آماده‌سازی نداشت اما همین زمان اندک کافی بود تا ساختار تازه‌ای را تعریف کند. او تیمی را تحویل گرفت که بیشتر از تیمی از اعضایش تجربه جدی در سطح اول دنیا نداشتند. در چنین فضایی، طبیعی بود هفته اول رقابت‌ها با اشتباهات متعدد، ناهماهنگی‌های تاکتیکی و فشار روانی سنگین همراه شود. شکست‌های متوالی مقابل برزیل، آمریکا و اسلونیونی هرچند تلخ بود اما به پیاتزا کمک کرد بفهمد کدام بازیکنان روحیه جنگیدن در میدان‌های بزرگ را دارند. تنها پیروزی مقابل اوکراین مثل نوری کهرم‌ق در دل تاریکی آن شروع ناامیدکننده بود.

اما ماجرا از هفته دوم تغییر کرد. در صربستان، تیمی که تا



تغییر دهد. این بار موضوع بر سر بازگشت عارف غلامی است؛ مدافعی که برای سبب‌سازی از هواداران یادآور روزهای مستحکم خط دفاع آبی‌هاست اما در ساختمان باشگاه همه بر سر او هم‌نظر نیستند.

ریکاردو سایپنتو، سرمربی پرتغالی استقلال که عادت دارد با صراحت تصمیم بگیرد، عارف غلامی را در فهرست بازیکنان مورد نیازش گذاشته و معتقد است حضور او می‌تواند نظم دفاع تیم را تقویت کند. اما این تصمیم با مخالفتی جدی روبرو شده است. علی نظری جویباری، مدیرعامل باشگاه، همراه با چند عضو کلیدی هیات‌مدیره قاطعانه با جذب او مخالفند. دلایل‌شان هم فقط فنی نیست؛ آنها می‌گویند رفتارها و حواشی گذشته غلامی برای استقلال دردم‌ساز بود و ورود دوباره او می‌تواند همان مسیر پر حاشیه را تکرار کند.

حتی حمایت کلارنس سیدورف، مشاور تازه‌وارد باشگاه هم تا این لحظه نتوانسته این جنبه مخالف را نرم کند. سیدورف که با دیدگاه فنی به موضوع نگاه می‌کند، عملکرد غلامی در گذشته را مثبت ارزیابی کرده اما گویا خاطرات تلخ فصل‌های



والیبال ایران پس از سال‌هایی پر از لغزش و فراموشی، دوباره روی ریل بازسازی قرار گرفت. تیمی که تا همین چند ماه پیش اسیر نتایج ناامیدکننده و انتقادهای پیاپی بود، حالا با ترکیبی از بازیکنان جوان

جسور و سرمربی‌ای دانشمند و باتجربه، نشانه‌هایی از بازگشت به قله را نشان می‌دهد؛ حتی اگر هنوز نتایجش درخشان نباشد. این فصل لیگ ملت‌های ۲۰۲۵ نقطه عطف شد؛ جایی که امید دوباره زنده شد، نه به‌واسطه صعود به مراحل نهایی، بلکه به دلیل تغییر نگرش عمیق در شیوه ساختن آینده. روبرتو پیاتزا، مرد ایتالیایی آرام اما سرسخت، روی نیمکت ایران به اندازه‌ای که فکر می‌شد فرصت آماده‌سازی نداشت اما همین زمان اندک کافی بود تا ساختار تازه‌ای را تعریف کند. او تیمی را تحویل گرفت که بیشتر از تیمی از اعضایش تجربه جدی در سطح اول دنیا نداشتند. در چنین فضایی، طبیعی بود هفته اول رقابت‌ها با اشتباهات متعدد، ناهماهنگی‌های تاکتیکی و فشار روانی سنگین همراه شود. شکست‌های متوالی مقابل برزیل، آمریکا و اسلونیونی هرچند تلخ بود اما به پیاتزا کمک کرد بفهمد کدام بازیکنان روحیه جنگیدن در میدان‌های بزرگ را دارند. تنها پیروزی مقابل اوکراین مثل نوری کهرم‌ق در دل تاریکی آن شروع ناامیدکننده بود.

اما ماجرا از هفته دوم تغییر کرد. در صربستان، تیمی که تا